

چرا روایت قدرت و تقویت امید اجتماعی به یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی تبدیل شده است؟

## ایران میان ۲ روایت

همین صفحه

ششمشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۵ | ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | سپتامبر ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۴۶۹۷ | صفحه ۱۰ هزار تومان

#### تیتترهای امروز



گزارش «وطن امروز» درباره هزینه ۳۳۰ میلیارد دلاری جنگ برای واردکنندگان نفت، گاز و سوخت جهان

## فاکتور گران

صفحه ۴

گزارش «وطن امروز» از تشدید جنگ میان اوکراین و روسیه

### جنگ زیرساخت‌ها

صفحه ۳

نخست‌وزیر هند در دیدار بزشکیان بر افزایش همکاری های تجاری دوجانبه تأکید کرد

### مسیر باز

### تهران - دهلی

صفحه ۲

امارات: تداوم وضعیت «جنگ-نه صلح» علیه ایران امکان‌پذیر نیست

## اعراب خسته از جنگ آمریکا

صفحه ۳

عبور از سپرهای حقوقی؛ پیام

تهران برای باز تعریف موازنه قدرت

#### نگاه

علی عبداللّهی‌چلمبری

در روزهای اخیر ۲ اظهارنظر از سوی مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران منتشر شد که اگرچه در ظاهر به ۲ حوزه متفاوت تعلق دارد اما در کنار هم تصویری روشن از تغییر در محاسبات امنیتی کشور ارائه می‌کند. محسن رضایی، دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری با صدواسیما از «دعدهی آمریکا» سخن گفت و تأکید کرد ایران پس از جنگ، ناچار به «تغییر رفتار دیپلماتیک» است. او همچنین گفت: «حماقت ترامپ با حمله به ایران اشتباه مردم جهان به بمب اتم را بیشتر کرده، آن هم وقتی دیدند عضویت در ژانوس بین‌المللی انرژی اتمی و NPT برای جلوگیری از حمله آمریکا اثری ندارد. ترامپ با حمله به تاسیسات هستنای ایران به جای امنیت هستنای، ناامنی هستنای ایجاد کرده است.» ۲ روز بعد، محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی در مراسم رونمایی از ۴ دستاورد دانش‌بنیان اعلام کرد ایران «از مرحله اثبات فناوری گداخت هستنای عبور کرده و وارد مرحله ساخت سامانه و قابلیت‌سازی شده» و تأکید کرد مسیر گداخت باید «با سرعت و اقتدار بیشتر» طی شود. این دو گزاره، در کنار هم، تنها ۲ خبر پراکنده نیست، بلکه نشانه‌ای از یک چرخش راهبردی است؛ چرخشی که بر یک منطق ساده استوار است: وقتی امنیت از مسیر تعهدات بین‌المللی تأمین نمی‌شود، کشورها به سمت تقویت ظرفیت‌های واقعی قدرت حرکت می‌کنند. این منطق، در سخنان رضایی و اسلامی به‌وضوح دیده می‌شود.

■ **ناکارآمدی NPT تاگزین‌های راهبردی؛ تقویت گفت‌مان بازنگری در تعهدات هستنای**

رضایی در مصاحبه خود با اشاره به تجربه‌های اخیر، عملاً این پرسش را مطرح می‌کند که اگر عضویت در معاهدات بین‌المللی مانند NPT نتواند مانع حمله یا خرابکاری شود، چه کار کردی برای امنیت ملی دارد؟ این پرسش، نه یک اعتراض احساسی، بلکه بازتاب تجربه‌ای است که ایران در سال‌های گذشته با آن مواجه بوده است. حملات سایبری، خرابکاری‌های صنعتی و تهدیدهای آشکار نظامی علیه تأسیسات هستنای ایران، در حالی رخ داده که کشور عضو NPT بوده و با ژانوس همکاری داشته است. وقتی چنین تجربه‌هایی تکرار می‌شود، طبیعی است بخشی از نخبگان سیاسی به این نتیجه برسند که تعهدات بین‌المللی، بدون پشتوانه قدرت، نمی‌تواند نقش سپر امنیتی را ایفا کند.

ادامه در صفحه ۲

روزنامه صبح ایران



VATANEMROOZ.IR

۱۳۹۷ و ۱۱ روزگذشت |

افزایش ظرفیت پالایشگاهی بدون اصلاح الگوی مصرف ناترازی بنزین را فقط به آینده موکول می‌کند

## مخزن پر مصرف کنترل نشده

همین صفحه

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4697 | TUE.SEP.01, 2026 | ISSN:2008-2886

بر خلاف ادعاهای ترامپ

ایران در واکنش به تجاوز یکشنبه شب آمریکا به جزیره لارک

۶ مرکز مهم نظامی ایالات متحده در اردن را مورد هدف قرار داد

# پاسخ دقیق

صفحه ۲

داخلی که این تصویر را تأیید کند، ناخوسته در خدمت «دیپلماسی فشار» دشمن قرار گرفته است. رهبر انقلاب با ممنوع اعلام کردن هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، در واقع «خطوط قرمز امنیت شناختی» را ترسیم می‌کنند. ایشان با اشاره به «دوگانه‌سازی‌های موهوم»، به یکی از خطرناک‌ترین تکنیک‌های عملیات روانی اشاره می‌کنند: «قطبی‌سازی». ایجاد دوگانه‌هایی مانند «وفاق ایران»، مکتبسمی برای فعال‌سازی «کارآمدی جمعی» یا تندروی» یا «سازش یا جنگ‌طلبی»، ذهن مخاطب را در یک بن‌بست شناختی گرفتار می‌کند تا راه‌حل سوم یعنی مقاومت هوشمندانه و عزت‌مند را نبیند. روانشناسی اجتماعی نشان می‌دهد جامعه قطبی‌شده، توانایی حل مساله را از دست می‌دهد و به جای تمرکز بر «تولید داخلی» و «اقتصاد مقاومتی»، انرژی خود را صرف نزاع‌های درونی می‌کند. تأکید رهبری معظم بر «وحدت» و «انسجام»، در واقع تلاش برای بازگرداندن تمرکز روانی جامعه از «تضادهای کاذب» به «تضاد اصلی» (میان حق و باطل ایران و استکبار) است.

**بخش چهارم: تحلیل راهبردی پیام؛ مدیریت ادراک در شرایط بحران**

متن پیام رهبر انقلاب، یک مانیفست برای «هدیریت ادراک» که در شرایط جنگ تمام‌عیار است. ایشان با تفکیک مخاطبان (مردم و دلسوزان در برابر دشمن)، ظرافت‌های ارتباطی را یادآور می‌شوند. این همان اصل «مخاطب‌شناسی» در ارتباطات راهبردی است. نکته حائز اهمیت دیگر، پیوند زدن «اقتصاد» به «انسجام اجتماعی» است. رهبر انقلاب می‌فرمایند: «هر اقدام در هر یک از کلان‌عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی باید با ملاحظه پیوست مربوط به انسجام اجتماعی انجام شود». این رویکرد،

### ایران میان ۲ روایت

از این ترغند روان‌شناختی، صراحتا بیان می‌کنند «بیان صادقانه ضعف‌ها. وقتی دشمن به روحیه نیاز دارد، کمک بزرگی به اوست». این جمله، کلیدواژه «سواد رسانه‌ای نخبگان و رسانه‌ها به جای روایت توانمندی‌ها (که منجر به همبستگی می‌شود) برضعف‌هاو کمبودهاتمرکزکنند (بدون ارائه راهکار)، در حال تولید «گسست نمادین» هستند. رهبر انقلاب با استناد به آیه شریفه «و اما پنجمه ربک فحدث»، یک اصل جامعه‌شناسختی را یادآوری می‌کنند: «برجسته‌سازی نعمت‌ها و توانمندی‌ها». این رویکرد، کارکردی آیینی و یکپارچه‌کننده دارد. در مقابل، «تضعیف انگیزه‌های ملی» و «دوگانه‌سازی‌های موهوم» (مانند جنگ یا مذاکره، وفای یا تندروی) مصداق بارز ایجاد «تضاد نقش» و «شکاف در وجدان جمعی» است. جامعه‌ای که مدام با روایت‌های متناقض و ناامیدکننده بمباران شود، دچار فرسودگی اجتماعی شده و سرمایه اعتماد (Trust) را که زیربنای هر کنش جمعی است، از دست می‌دهد. بنابراین ممنوعیت ناامیدکننده سخن گفتن، در واقع یک «بایسته اخلاقی -جامعه‌شناختی» برای پیشگیری از ناامنی روانی -اجتماعی ملت است.

**بخش دوم: روانشناسی اجتماعی؛ «درماندگی آموخته‌شده» تا «کارآمدی جمعی»**

در ساحت روانشناسی اجتماعی، تأکید رهبر انقلاب بر پرهیز از «سخن ناامیدکننده» را می‌توان با نظریه «درماندگی آموخته‌شده» مارتین سلیگمن و در مقابل آن، نظریه «کارآمدی جمعی» آلبرت بندورا تحلیل کرد. دشمن در جنگ شناختی، هدف خود را ایجاد «درماندگی آموخته‌شده» در افکار عمومی قرار داده، به این معنا که القا کند «تلاش ما بی‌فایده است»، «تخریبه‌ها ابدی هستند» و «هانی‌م‌توانیم». رهبر انقلاب با درک عمیق

### مخزن پر، مصرف کنترل نشده

در چنین شرایطی، افزایش تولید بدون اصلاح مصرف شبیه آن است که برای یک کرین کردن یک مخزن دارای نشتی، صرفا حجم ورودی آب را افزایش دهیم. تا زمانی که نشتی‌ها برطرف نشوند، افزایش عرضه نمتنها راه‌حل پایدار نیست، بلکه منابع بیشتری را نیز هدر خواهد داد. در سال‌های اخیر، سیاست‌گذار بارها تلاش کرده از طریق تغییر سهمیه‌ها و نرخ‌های مختلف، مصرف بنزین را مدیریت کند. اواخر پاییز سال گذشته نیز هیات وزیران مصوب کردندخ بنزین در جایگاه‌ها برای استفاده از کارت اضطراری و مصرف مازاد بر ۱۶۰ لیتر سهمیه‌ای، از نیمه آذرماه به ۵۰۰۰ تومان افزایش یابد. هدف از چنین سیاستی، ایجاد محدودیت در مصرف مازاد و حرکت تدریجی به سمت مدیریت تقاضا بود. با این حال، تجربه نشان داده سیاست قیمتی به‌تنهایی نمی‌تواند همه مشکلات موجود را برطرف کند. بنزین در اقتصاد ایران یک کالای عادی نیست، هر گونه تغییر در قیمت یا سهمیه آن می‌تواند بر هزینه حمل‌ونقل، قیمت کالاها، خدمات، تولید و حتی انتظارات تورمی اثر بگذارد. به همین دلیل، اصلاح قیمت بنزین اگر بدون طراحی یک بسته سیاستی جامع انجام شود،

فراتر از اقتصاد کلاسیک و در چارچوب «جامعه‌شناسی اقتصاد» قرار می‌گیرد. تورم و بیکاری تنها عدد نیست، متغیرهایی است که مستقیما بر «روانشناسی توده‌ها» و «احساس عدالت» تأثیر می‌گذارد. تأکید بر «تولید داخلی» و «اسقاط تدریجی دلار»، نه فقط یک راه‌کار اقتصادی، بلکه یک پروژه «هویت‌بخشی» و «استقلال‌طلبی» است که به رون جامعه امنیت می‌دهد. همچنین تأکید بر «فناوری‌ها و نوآوری‌های نخبگان جوان»، پاسخی به بحران «معنایابی» در نسل جدید است. وقتی حاکمیت به جای تکرار کلیشه‌ها به «ترک روال معمول» و استفاده از «ظرفیت‌های نو» فراخوان می‌دهد، در حال ایجاد «امید واقع‌بینانه» است. امید در روانشناسی اجتماعی، سوخت موتور تاب‌آوری است. ■ **ضرورت بازتعریف «صداقت» در عصر جنگ روایت‌ها** در نهایت، پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی، دعوتی است به بازتعریف مفهوم «صداقت» و «قد». در ادبیات سیاسی و رسانه‌ای فعلی، گاهی «صداقت» با «سیاه‌نامه‌ی» و «قد» یا «تخریب» اشتباه گرفته می‌شود. رهبر انقلاب با بصیرتی جامعه‌شناختی، مرز میان «اسیب‌شناسی دلسوزانه» را که منجر به حل مساله می‌شود و «گفتار تضعیف‌کننده» را که منجر به کمک به دشمن می‌شود، مشخص می‌کنند. از منظر آینده‌پژوهی، ما در نقطه عطفی تاریخی قرار داریم که در آن «روایت ایران قوی»، تنها یک شعار نیست، بلکه یک «ضرورت وجودی» برای عبور از گردنه‌های دشوار تاریخ است. عدالانه‌تر کردن توزیع یارانه بنزین باشد، زبرداد وضعیت فعلی، افرادی که خودرو ندارند عملا از یارانه مستقیم سواخت بهره‌ای نمی‌برند، در حالی که دارندگان خودرو از این یارانه برخوردارند.

البته اجرای هر سه سناریو نیازمند زیرساخت می‌یابد. دار در این مدل، سهمیه به جای خودرو به افراد اختصاص می‌یابد. به این معنا که هر فرد، چه خودرو داشته باشد و چه نداشته باشد، از سهمیه مشخصی برخوردار خواهد شد. این مدل می‌تواند گامی در جهت عدالانه‌تر کردن توزیع یارانه بنزین باشد، زیرا در وضعیت فعلی، افرادی که خودرو ندارند عملا از یارانه مستقیم سواخت بهره‌ای نمی‌برند، در حالی که دارندگان خودرو از این یارانه برخوردارند.

البته اجرای هر سه سناریو نیازمند زیرساخت اطلاعاتی، سامانه‌های دقیق، شفافیت و مهم‌تر از همه، اعتماد عمومی است. هر تصمیمی که بدون ائناع جامعه و توضیح روشن درباره منطق آن اجرا شود، با مقاومت اجتماعی مواجه خواهد شد.

ادامه در صفحه ۴